

اقتصاد



فردوس کاویانی در ۸۲ سالگی درگذشت

بدرقه‌ای برای آخرین بازیگر طنز فاخر ایران

صفحه ۸

تورم یکساله گوشت و مرغ و برنج براساس آمارهای رسمی بررسی شد

سرگذشت عجیب بازار خوراکی‌ها!

گوشت قرمز براساس آمارهای رسمی رکورددار افزایش قیمت در بازار خوراکی‌هاست. قیمت هر کیلو گوشت گوسفندی در حدفاصل شهریور پارسال تا شهریور امسال نزدیک ۱۵۰ درصد رشد داشته و در همین مدت حدود ۱۳۰ درصد به قیمت گوشت گوساله اضافه شده است.

سکوت هفت‌ماهه مرکز آمار درقبال چندچون اقلام خوراکی شکسته شد و حالا براساس داده‌های رسمی، میزان رشد قیمت مرغ درمقایسه با یک سال قبل حدود ۳۷ درصد تخمین زده می‌شود. خامه با کنار زدن ماست و شیر و پنیر در گروه لبنیات بیشترین رشد قیمت را تجربه کرده و موز بین میوه‌ها همین شرایط را پشت‌سر گذاشته است. این وسط قیمت برنج ایرانی تقریباً ثابت مانده و کاهش جهانی قیمت روغن، در بازار داخلی بی‌تأثیر نبوده است.

قیمت برنج ایرانی تفاوت زیادی با پارسال ندارد. مرکز آمار می‌گوید هر کیلو برنج درجه یک ایرانی در شهریور امسال به‌طور متوسط کیلویی ۱۱۵ هزار و ۴۴۹ تومان فروخته شده و برنج ایرانی شهریور پارسال تقریباً کیلویی ۱۱۲ هزار تومان قیمت داشته است. قیمت برنج درجه یک ایرانی به‌این ترتیب از نظر مرکز آمار درمقایسه با سال قبل حدود یک درصد رشد داشته، اما اگر به‌ابتدای سال نگاه کنیم، متوجه می‌شویم خرید برنج ایرانی تقریباً هفت درصد (کیلویی هشت هزار تومان) کمتر هزینه دارد.

شرح در صفحه ۵

سخن نخست

فاجعهای پنهان در راه است

پشت چهره قدرتمند و کنشگری بین‌المللی، انبانی از فجاج پنهان در دهها و سده‌های پیشین وجود دارد که پرکنده و عبرت‌آموز است. روابط بین‌المللی با پدیده قدرت گره خورده است. تقسیم‌بندی و دسته‌بندی از کنشگران بین‌المللی، نوعاً بر مبنای میزان قدرت آنها صورت می‌گیرد و در این میان، برخی به عنوان قدرتهای بزرگ شناخته می‌شوند. اما قدرتهای بزرگ که قدرت آنها در عرصه روابط بین‌المللی عیان و عیان است از چه رهگذری به این موقعیت رسیده‌اند، بحث‌انگیز و پرسش‌آفرین است.



محمد کاظم سجادیور

ادامه در صفحه ۲

وقتی اردوغان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند

تحقق رویای «دالان تورانی»

۷

ایران تولید خود را به ۳.۱۵ میلیون بشکه در روز افزایش داد

تأثیر افزایش تولید نفت ایران بر عرضه اوپک

۴

جایگاهی بی‌سابقه نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرس

خالص‌سازی اینبار در مدارس

۳



امروز دشمنی با اسلام از همیشه آشکارتر است

آنچه را رسول خدا برای شما آورده است، اجرا کنید و از آنچه نهن کرده خودداری کنید. ۲

رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت:

صفحه ۲

یادداشت

بیت المقدس، طریق القدس و ... حضور داشت. امیر سرتیپ دوم خلیفان ضرابی در سال ۱۳۶۰ اولین مرکز آموزش جنگنده اف۴ را در ایران راه اندازی کرد. وی مسئولیت های مهمی همچون معاونت عملیات پایگاه بوشهر، فرماندهی گردان آموزشی ۶۱ پایگاه شکاری بوشهر و ۱۱ شکاری پایگاه مهرآباد را در کارنامه خود داشت و به مدت سه سال نیز به عنوان وابسته نظامی ایران در چین مشغول بود. مرحوم ضرابی در سال های اخیر با راه اندازی کانون خلیبانان ایران، به عنوان دبیر این کانون، تلاش های بسیاری در ثبت خاطرات خلیبانان جنگ و انتقال تجربیات آنان به نسل جدید انجام داد. همواره به او گوشزد می نمودم که خاطرات را قلم نگاره ساز! که او نیز با لبخندی خاص، پاسخ می داد! و تا کنون هنوز نمی دانم که آیا به خواسته و توصیه من عمل نمود و یا خیر؟ سرانجام در تاریخ شنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۲ شمسی، ناگهان عمر دنیایی او به سر رسید و زندگی جاودانه خود را در پس این جهان فانی، آغاز نمود. او بزرگی بود که در خاموشی زیست و خاموش، آسمانی گردید. روحش شاد و نامش مانا و قدّ علی ربّ کریم

خلبان ماندگار جبهه، آسمانی شد



هادی انصاری با خیر درگذشت کاپیتان امیر سرتیپ دوم محمود ضرابی، این بزرگ مرد روبرو شده و لحظاتی ارتباط نزدیک به سه دهه با این شخصیت، همچون فیلمی از ذهن و در برابر دیدگانم گذشت. در فقدان این مرد گریستم. سالها بیمار من بود و هر بار که مراجعه به مطب می کرد، غیر از درمان، به گپ و گفتگو نشسته و از خاطرات زیبایش برام سخن می گفت. از خاطرات دوران جنگ تحمیلی و صدها خاطره زیبا و تلخ و سخن به میان می آمد. از فداکاری های خلیبانان و شرایط حساس آن هنگام و پروازهای خود با فانتوم اف ۴، ده ها خاطره خود از پروازهای نزدیک به ساختمانهای شهرهای عراق و پادگان ها، و سپر قرار دادن لشکریان و سپاهیان اسلام و ... با حرارتی وصف نشدنی آنچنانکه تو گویی هم اکنون در حال پرواز در آسمان است و.. سخن می گفت. در نشست با او هیچگاه تصور نمی کردید که با شخصیتی تأثیر گزار

آقای وزیر؛ مزد کارگران کی افزایش می‌یابد؟

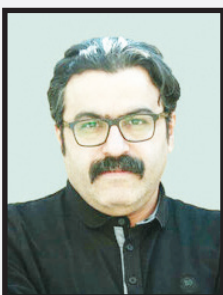


هوشنگ صدیقی به قول علما در مثل مناقشه نیست چون یک ضرب‌المثل ایرانی می‌گوید؛ بزرگ نمیربهار میاد، خربزه با خیار میاد... مصداق این ضرب‌المثل وعده‌های متوالی معاون وزیر کار هست که دربارزه زمانی مختلف، وعده افزایش حقوق کارگران را به مناسبت های مختلف می‌دهد؛ هرچند این نوع وعده‌های بی‌سرانجام، نه تنها رمقی و توانی به تن تحقیف و رنجور کارگران نمی‌دمد، بلکه بیش از پیش ناتوانی وزارت کار را در حمایت از اقشار زحمتکش کارگر به رخ جامعه و کارگران می‌کشد. رعیتی فرد، معاون روابط کار، با وجود طرح وعده اصلاح مزد کارگران در نیمه دوم سال ۱۴۰۲، اما هنوز موفق به برپایی جلسه شورای عالی کار در این خصوص نشده است هرچند که نرخ تورم طی چندماه اخیر، منتظر وعده های معاون وزیر کار مانده و گوی سبقت را به نسبت حداقل مزد و خط فقر ترسیم‌ی جامعه ریوده است. معاون وزیر کار، در گفتگوهای رسانه‌ای، افزایش حقوق کارگران را البته منوط به افزایش حقوق کارکنان دولتی کرده است اما معلوم نیست مزدکارگران چه ارتباط ماهوی با مزد کارکنان دولتی دارد؟ به خصوص که کارکنان دولتی به مناسبت های ملی و مذهبی از سبدهای غیرتقدی و پاداش‌های مختلف دولتی بهره می‌گیرند. مشخص نیست دولت کی دست به جیب می‌شود تا کارگران هم از صدقه سری دولتمردان سیزدهم، از خوان نعمت دلارهای نفتی بهره‌ای ببرند. امیدواریم درصورت برگزاری جلسه تعیین مزد و مزایای کارگران، این بار دیگر نمایندگان کارگران در شورای عالی کار، در زمین کارفرمایان دولتی بازی نکنند، چون تجربه خطای فاحش نمایندگان کارگران در تصویب مزد سال ۱۴۰۲ در شورای عالی کار باعث شد که مزد کارگران براساس نرخ تورم بانک مرکزی تعیین نشود. بگذریم امید است دولت سیزدهم نیم نگاهی به جیب خالی کارگران بکند و تکانه‌ی به مزد و سبب خانوارهای کارگران بدهد. در خاتمه یک پرسش از دولت‌مردان وزارت کار مطرح است که لازم است درباره آن اطلاع‌رسانی شود. با وجود وقوع حوادث تلخ کار، در کارگاه‌های مختلف کشور و طبق آمار مراجع پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۱، قریب ۱۹۰۰ کارگر جان خود را از دست دادند که استان‌های تهران، اصفهان، خراسان‌رضوی و مازندران به ترتیب بیشترین تلفات انسانی را داشته‌اند و طبعاً با وجود بروز چنین حوادثی تلخ، هریک از کارفرمایان بر اساس مفاد قانون کار به جرایم مادی از جنبه عمومی جرم در مراجع قضایی محکوم شده‌اند که براساس ماده ۱۸۶ قانون کار از معاون مبالغ جرایم را در حسابی به نام وزارت کار واریز کنند. اگر همین وجوه واریزی به حساب وزارت کار در حسابی به حساب وزارت کار، طی دو سال استقرار دولت عدالت و مردمی شفاف‌سازی کنند تا خدای ناکرده (به‌توتون برنخور) این درآمدهای ناشی از درآمدزایی جرایم کارفرمایی، صرف سفرهای استانی وزیر و همراهان نشود. اگر همین وجوه واریزی به حساب وزارت کار که هزینه‌کرد آن در اختیار وزیر بوده، طبق ماده ۱۸۶ قانون کار می‌بایست در زمینه‌های رفاهی، آموزشی و فرهنگی کارگران صرف شود. انتظار می‌رود معاون روابط کار درباره هزینه‌های سه‌گانه یادشده برای کارگران و افکارعمومی اطلاع‌رسانی کنند.

یادداشت

دیده نشد، ترکیب فردوس کاویانی، حمید جبلی و حسین پناهی در آن فیلم بی‌تظیر است، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعری که با هم درگیر شده‌اند و هر کدام ساز خود را می‌زنند، اگر فکر کنید کارهای بسیاری را به خاطر می‌آورید که فردوس کاویانی در آن‌ها به سبک و شیوه خودش درخشان است. تمام بازی‌های او به کنار آنچه فردوس کاویانی را خاص و ویژه می‌کرد و نشان می‌داد که از یک تربیت تئاتری بالا آمده است و هنر برای او مهم است و نیامده تا نقشی را بازی کند و برود، شرافتی است که در انتخاب نقش داشت. اگرچه بازیگر می‌تواند بگوید این حرفه شغل من است و هر نقشی را با هر کارگردانی در هر فیلم‌نامه‌ای می‌توانم بازی کنم و کسی بیرون این گود ناپستاده تا هزینه‌های من را بدهد و من باید خودم تمام هزینه‌های زندگی‌ام را پرداخت کنم پس مجاز هستم که اولویت‌های خودم را نگاه کرده و بر اساس آن انتخاب کنم، کاویانی اما تمامی این سال‌ها تا آنجا که مقدر بود تلاش کرد تا انتخاب‌هایش بر اساس شرافت کاری باشد او با هر کارگردانی کار نکرد هر فیلم‌نامه‌ای را به خاطر نسپرد و هر دیالوگی را نگفت. سنجیده کار کرد و به ارزش‌هایی که آموخته بود پایبند ماند. او در آن روزها که تئاتر محل آموزش و جایی برای اندیشه بود، پرورش یافت در تمام تجربه‌هایی که در تئاتر داشت به این مهم وفادار ماند و بدون هیاهو، جنجال و حاشیه تلاش کرد تا به دیگران بیاموزد هنرمند باید اول به خود و هنرش وفادار باشد. هنرمند هر اندیشه‌ای که با مردم به اشتراک می‌گذارد باید از صافی وجودش رد شده و بر اساس آنچه خوانده و آموخته و ایمان دارد، باشد. عمو فردوس به آنچه آموخته بود ایمان داشت و شرافتمند در هنر زندگی کرد و تا آخرین روزهای زندگی به آن پایبند بود.

متولدین ۶۰ و ۵۰ و عمو فردوس که ماندگار شد



حسین قره کشته نه مهر ۱۴۰۲ فردوس کاویانی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون درگذشت، این خبر برای متولدین دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که کودکی‌شان سپید به جعبه جادو بود، آوار بخش بزرگی از خاطرات سیاه‌وسفیدی بود که نهایتاً از توپ سه جلد پلاستیکی خاطره رنگی دارند. عمو فردوس کاویانی برای ما جایی کوچک از شادی و لبخند، از یادگرفتن و درس زندگی بود. متولدین آن سال‌ها دختران و پسرانی که زیر سایه انقلاب و جنگ و به‌تبع این هر دو فقری مستمر را می‌چشیدند و در مدرسه و کلاس درس آخرین بازمانده‌های نظام آموزشی خشمگین که تنبیه بدون تشویق را در دستور داشت بر کرده‌هایشان سنگینی می‌کرد (شاهد مثال مشق شب عباس کیارستمی است.) تنها پناهشان جعبه جادویی بود. جعبه جادویی که در برنامه‌های کودک تلخی و فلاکت و فراق و نداشتن را به مخاطبان خردسالش می‌خوراند، چند جوان و یکی و دو میان‌سال در برنامه‌های تلویزیونی جمع شده بودند تا لبخند و شادی و آموزش را و حتی رنگ را در تلویزیون‌هایی که فقط سیاه‌وسفید دیده می‌شد به ما کودکان عرضه کنند. همان سال‌هایی که دختری به نام نل سازگار به فلاکت بود و هاج زنبورعلل مادرش را نمی‌یافت و بسیاری برنامه دیگر عده‌ای تئاتری دوروبر درویش مؤدبان جمع شده بودند و محله بروبیان را برای ما ساختند که در آن آتیلا پسیانی، اکبر عبدی، حمید جبلی، فردوس کاویانی و دیگر بازیگرانش خنده به لب‌های ما می‌یاورند همه ما که